

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ایجاد روابط حسنه ترکیه و
رژیم صهیونیستی با ناتو

◇
گزیده پژوهش‌های جهان: ایجاد روابط حسنه ترکیه و رژیم صهیونیستی با ناتو
بررسی و نظارت: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران -
معاونت پژوهشی
مترجم: احسان صادقی
تاریخ انتشار: ۹۵/۶/۱۰
تلفن و دورنگار: ۷ - ۸۸۷۰۶۲۰۵
صندوق پستی: ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵
نشانی اینترنت: www.tisri.org

کلیه حقوق مادی و معنوی این گزارش متعلق به مؤسسه تهران است. تکثیر، انتشار و یا واگذاری آن به دیگران به
هرصورت و بدون اجازه کتبی این مؤسسه مجاز نمی‌باشد.



ایجاد روابط حسنه ترکیه و رژیم صهیونیستی با ناتو^۱

نوشتار حاضر خلاصه‌ای است از گزارش تحقیقاتی کالج دفاعی ناتو با نام ایجاد روابط حسنه ترکیه و رژیم صهیونیستی با ناتو که توسط حسن آیگون انجام گرفته است. نویسنده این مقاله پیشتر به‌عنوان مشاور سیاسی در مراکز فرماندهی این پیمان نظامی مانند لیسبون و ناپل خدمت نموده و ۲۲ سال نیز به‌عنوان دیپلمات در ارتباط با حقوق بین‌الملل و مسائل مدیریت بحران مشغول به‌کار بوده است. او در این مقاله، روابط نزدیک ترکیه و رژیم صهیونیستی و چالش‌های سیاسی‌ای که به‌تازگی هر دو طرف با آنها روبه‌رو بوده‌اند را، بررسی کرده است. همچنین این مقاله به تأثیرات رابطه دوجانبه این دو دولت بر روی دیگر قدرت‌های مهم منطقه‌ای در خاورمیانه و شمال آفریقا نیز اشاره نموده است.

در ابتدای مقاله، نویسنده به بیان تاریخچه‌ای از روابط این دو دولت در قالب پیمان ناتو اشاره می‌نماید. در تاریخ ۴ مه ۲۰۱۶، ناتو از ایجاد دفتر نمایندگی رژیم صهیونیستی در مقر این سازمان سیاسی و نظامی و همچنین از این موضوع خبر داد که رژیم صهیونیستی یکی از شرکای فعال این پیمان در مجمعی به نام گفتگوی مدیران‌های ناتوست که در سال ۱۹۹۴ تأسیس شده است. سابقه اولیه درخواست رژیم صهیونیستی به‌منظور بازگشایی دفتر خود در مقر ناتو به سپتامبر ۲۰۱۱ بازمی‌گردد، اگرچه احمد داوود اغلو، وزیر خارجه وقت ترکیه تهدید نمود که این موضوع را در شورای آتلانتیک شمالی وتو خواهد نمود. این تهدید ترکیه

1. Turkish-Israeli Rapprochement with NATO, Hasan Aygun, NATO Defense College, 16 June 2016.



دراصل ناشی از تنش‌های به‌وجودآمده بین دو طرف بود که در سال ۲۰۱۰ بر سر حمله رژیم صهیونیستی به کشتی حامل کمک‌های بشردوستانه ترکیه به غزه یعنی کشتی ماوی مرمره صورت گرفت. با این حال، همکاری بین ناتو و رژیم صهیونیستی در حوزه‌هایی چون ضدتروریسم ادامه یافت.

ترکیه بعد از پنج سال مخالفت بالاخره با عضویت رژیم صهیونیستی در مجمع فوق موافقت نمود. اینکه رژیم مذکور دارای قدرت در منطقه خاورمیانه است و پیمان ناتو از این طریق می‌تواند دسترسی و فهم بهتری از شرکای خود در منطقه داشته باشد، دلیل پذیرش این عضویت عنوان گردید.

نویسنده در ادامه مقاله به چشم‌اندازهای رژیم صهیونیستی و ترکیه دربارهٔ ایجاد رابطه جدید رژیم صهیونیستی با ناتو پرداخته است. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر این رژیم، در مه ۲۰۱۶ از این تصمیم ناتو استقبال نمود و این اقدام را پیشرفتی مهم در روابط میان ناتو و رژیم صهیونیستی دانست که بیش‌ازپیش سبب تقویت امنیت رژیم صهیونیستی می‌گردد. نتانیاهو همچنین ادعا نمود که کشورهای مختلفی خواهان همکاری با رژیم صهیونیستی هستند، آن‌هم به‌خاطر تجربیات این رژیم در زمینه‌های پیشرفت فناوری و شبکه‌های اطلاعاتی.

درمقابل، واکنش ترکیه به این جریان سکوت بود و بیانه‌ای رسمی از جانب دولت صادر نگردید، اگرچه بیانه‌های غیررسمی حاکی از این موضوع بود که این اقدام بخشی از تدابیر دو طرف ترکی و صهیونیستی به‌منظور عادی‌سازی روابط است. به‌زعم نویسنده، تنها بعضی از گروه‌های مذهبی تندرو که در پارلمان نیز نماینده‌ای ندارند واکنشی منفی به این جریان نشان دادند و دولت ترکیه را متهم نمودند که راه را برای عضویت رژیم صهیونیستی در ناتو هموار نموده است.

نویسنده در بخش دیگری از مقاله خود به روابط تاریخی ترک‌ها و یهودیان اشاره می‌نماید. از آغاز قرن چهاردهم میلادی، یهودیان اروپا از مناطقی چون: مجارستان، فرانسه، و سیسیل به مناطق تحت سلطه عثمانی فرار کردند و در سال ۱۴۵۳ سلطان محمد دوم یهودیان را برای سکونت در سرزمین‌های عثمانی تشویق نمود. در مجموع، در طول دوران حاکمیت عثمانی‌ها شاهد مهاجرت بسیاری از یهودیان به سرزمین‌های تحت‌نظر عثمانی بوده‌ایم که با خود مهارت‌های مربوط به کسب‌وکار و بازرگانی را نیز به همراه آوردند و این



روند حتی پس از ایجاد جمهوری ترکیه و جنگ جهانی دوم که این کشور در این جنگ بی‌طرف بود حفظ گردید و بعد از تأسیس رژیم جعلی صهیونیستی حدود شصت درصد از یهودیان ترکیه به سرزمین‌های اشغالی مهاجرت کردند و اکنون شمار یهودیان ترک ساکن در سرزمین‌های اشغالی چیزی در حدود ۷۷ هزار نفر است. ترکیه در واقع اولین کشور مسلمان منطقه بود که این رژیم را به رسمیت شناخت و سطح روابط میان طرفین در طی چند دهه به بالاترین سطح خود، آن‌هم در سطوح نظامی، راهبردی، اقتصادی، و دیپلماتیک رسید؛ برای مثال، نیروی هوایی رژیم صهیونیستی اجازه یافت که در فضای هوایی ترکیه دست به تمرینات نظامی بزند و شرکت‌های رژیم صهیونیستی نیز اجازه یافتند در روند نوسازی جت‌های نیروی هوایی ترکیه و تانک‌های ارتش این کشور مشارکت داشته باشند. روابط دوطرف در بعضی زمان‌ها نیز رو به وخامت گذاشت، به‌ویژه در بازه زمانی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ و جنگ غزه که دولت ترکیه به‌شدت از این رژیم به سبب تلفات بالای انسانی در باریکه غزه انتقاد نمود و در طرف مقابل، رژیم صهیونیستی نیز ترکیه را به حمایت از حماس متهم کرد. در ژانویه ۲۰۰۹ نیز اردوغان در نشست مجمع جهانی اقتصاد در داووس سوئیس به‌شدت از اقدامات رژیم صهیونیستی در نوار غزه انتقاد نمود. روابط بین آن‌ها زمانی وخیم‌تر شد که نه غیرنظامی ترک طی حمله به کشتی ماوی مرمره به‌وسیله نظامیان این رژیم کشته شدند. در پی این اقدام، طرفین سفرای خود را فراخواندند و قراردادهای نظامی را به حالت تعلیق درآوردند. رژیم صهیونیستی بر سر این مسئله از ترک‌ها عذرخواهی نمود و در دسامبر ۲۰۱۵ نیز با توجه به شرایط خاص حاکم بر منطقه و نیاز دو طرف به همکاری بر سر مشکلات به‌وجودآمده، گفت‌وگوهای محرمانه‌ای را با هدف ترمیم روابط دیپلماتیک آغاز کردند. نویسنده در بخشی از مقاله علل و عناصری را برشمرده است که موجب شدند دو طرف اصلی یعنی ترکیه و رژیم صهیونیستی به میز مذاکره بازگردند. از نظر نویسنده، محرک اصلی ترکیه برای بازگشت به مذاکره، احتیاج دولت این کشور به یک متحد منطقه‌ای به دلایل سیاسی، امنیتی و اقتصادی بوده است. در طی جنگ داخلی سوریه دو خطر اصلی متوجه امنیت ترکیه بوده است: یکی، گروه داعش و دیگری، گُردهای جدایی‌طلب پ‌ک‌ک که سبب شده‌اند زندگی عادی و روزمره در مناطق جنوب و جنوب شرق ترکیه و هم‌جوار با عراق و سوریه به خطر بیفتد. تقابل ترکیه با روسیه بر سر سرنگونی جنگنده روسی بر فراز سوریه از دیگر عواملی است که سبب گردید ترکیه به مذاکره با رژیم صهیونیستی روی بیاورد.



در طرف مقابل، رژیم صهیونیستی نیز به‌زعم نویسندگان، با توجه به خطری که از جانب محور دمشق، ایران و حزب‌الله احساس می‌کند و همچنین عزم و اراده‌اش در نگه داشتن مناطق اشغالی جولان برای خود، به یک متحد منطقه‌ای احتیاج دارد و آن متحد کسی نیست به‌جز ترکیه؛ زیرا این کشور بر روی گروه حماس نفوذ دارد. همچنین به‌نظر نویسندگان، رژیم صهیونیستی به‌منظور ایجاد موازنه در برابر قدرت روبه‌رشد ایران با توجه به حضور این کشور در سوریه و لبنان، به یک متحد منطقه‌ای احتیاج دارد و نویسندگان معتقد است دوستی رژیم صهیونیستی با ترکیه دسترسی آسانی را برای همکاری با ناتو با هدف تقویت گزینه‌های امنیتی این رژیم در اختیار آن قرار می‌دهد.

از منظر اقتصادی، کشف میادین گازی در دریای مدیترانه و در آب‌های رژیم صهیونیستی و از طرف دیگر، نزدیکی ترکیه با این مناطق و نیاز این کشور به منابع گازی سبب شده است بین طرفین بر سر ساخت دو نیروگاه گازی در سرزمین‌های اشغالی گفت‌وگوها آغاز شود و قراردادهایی نیز به‌منظور انتقال گاز به ترکیه و از آنجا به اروپا امضا گردد.

نویسندگان در ادامه این سؤال را مطرح کرده که نگاه طرف‌های دیگر از جمله: روسیه، مصر، و ایران به نزدیکی دوباره ترکیه به رژیم صهیونیستی چیست؟

از نظر نویسندگان، روسیه به صادرات احتمالی گاز رژیم صهیونیستی به ترکیه نگاهی منفی دارد؛ زیرا در حال حاضر، روسیه بخش عمده‌ای از گاز ترکیه را تأمین می‌نماید. از طرف دیگر، نزدیکی روسیه به ایران و حزب‌الله لبنان در مسئله سوریه سبب شده است که رژیم صهیونیستی تحرکات روس‌ها را در منطقه زیر نظر بگیرد و برای ایجاد موازنه به ترک‌ها روی آورد. مصری‌ها نیز حضور ترک‌ها را در نوار غزه تحمل نمی‌کنند و به‌شدت مخالف نزدیکی دوباره ترکیه به رژیم صهیونیستی هستند؛ زیرا روابط بین قاهره و آنکارا بر سر کودتای ژنرال سیسی علیه محمد مرسی تیره گردید و این دو کشور مهم سنی منطقه بر سر رهبری منطقه به‌شدت با یکدیگر رقابت دارند. با این حال، عادی‌سازی روابط مصر با رژیم صهیونیستی سبب می‌شود که رژیم صهیونیستی نقش میانجی را برای از سرگیری روابط دوباره آنکارا و قاهره ایفا نماید.

از نظر نویسندگان، ایران در این میان توانسته است در عرصه میدانی عراق و سوریه نفوذ قابل توجهی پیدا کند و از طرف دیگر، با برجام توانسته است تا خود را از انزوای بین‌المللی و تحریم‌های اعمال شده رهایی بخشد. نزدیکی ترکیه به رژیم صهیونیستی سبب تأثیر



گذاشتن بر روی سطوح سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران می‌شود؛ برای مثال، ایران ممکن است جایگاه ویژه خود در صادرات گاز به ترکیه و فرصت‌های چانه‌زنی به‌وجودآمده ناشی از آن را از دست بدهد، ضمن اینکه ایران هیچگاه از روابط گسترده بین رژیم صهیونیستی و سنی‌های منطقه استقبال ننموده است.

نویسنده در ادامه به عکس‌العمل و واکنش ناتو در قبال مسئله نزدیکی ترکیه و رژیم صهیونیستی پرداخته است. وی به بیانیه اجلاس سران ناتو در سال ۲۰۱۴ در ولز و اینکه بیانیه موردنظر به رشد بی‌ثباتی در کشورهای جنوبی حوزه ناتو یعنی کشورهای حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا که یکی از دو چالش فوری در مقابل دولت‌های عضو در کنار تهدیداتی که متوجه امنیت کشورهای اروپای شرقی است، اشاره می‌نماید و اینکه رهبری ناتو درباره چالش‌های به‌وجودآمده از طرف گروه داعش نگران است و در کنار داعش از عواملی چون: فرقه‌گرایی و افراطی‌گری که سرتاسر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را دربرگرفته است نام می‌برد که همه این عوامل سبب می‌گردد تروریسم به مناطق ناتو و اروپا صادر گردد. از نظر نویسنده، پیمان ناتو راهکار تعامل با کشورهای حوزه شرقی مدیترانه را به‌منظور مقابله با عواملی همچون مبارزه با تروریسم و بحران مهاجران درپیش گرفته است که موافقت اعضای این پیمان با ورود رژیم صهیونیستی به مقر ناتو در این قالب قابل بررسی است؛ زیرا به ادعای نویسنده، رژیم صهیونیستی نیز همانند کشورهای عضو ناتو نگرانی‌هایی مشابهی درباره رادیکالیسم اسلامی، افراطی‌گری و تروریسم دارد. یکی از اولویت‌های اصلی درمورد برنامه همکاری میان طرفین، جنگ علیه تروریسم و تبادل تجربیات و اطلاعات در این زمینه است. دیگر موارد، همکاری‌های تسلیحاتی، فناوری‌های دفاعی و تحقیقات مرتبط با آن، مدیریت عرصه هوافضا و همکاری‌های لجستیکی را شامل می‌شوند.

نویسنده در پایان و در بخش نتیجه‌گیری بر این نظر است که هم ترکیه و هم رژیم صهیونیستی هر دو به یک چیز احتیاج مبرم دارند و آن امنیت است. هر دوی آنها می‌دانند که بدون همکاری نمی‌توانند به امنیت دست پیدا کنند. وی به مشکلات خاورمیانه در صدسالگی پیمان سایکس - پیکو از جمله فروپاشی کشورهای چوچون: عراق، سوریه، یمن و لیبی اشاره می‌نماید و بیان می‌دارد که آینده کشوری چون لبنان شفاف نیست و مصر نیز سعی می‌کند ثبات را به عرصه داخلی کشورش بازگرداند. داعش نیز هم ترکیه و هم رژیم صهیونیستی را تهدید می‌کند.



ایران نیز به ادعای نویسنده، در یمن و سوریه از طریق گروه‌های نیابتی در حال جنگ با رقبای سنی خود است و ضمن آن، در حال تبدیل شدن به متحد غرب علیه گروه داعش است. ترکیه و رژیم صهیونیستی هر دو از نزدیک تحولات میان تهران و واشینگتن را دنبال می‌کنند و منتظرند ببینند چگونه این رابطه دگرگون خواهد شد.

به نظر نویسنده، در چنین بستر و محیط خطرناکی، ناتو و غرب به صورت کلی به دوست و شریک در منطقه نیاز دارند که در این میان، نزدیکی دوباره ترکیه با رژیم صهیونیستی می‌تواند خبر خوبی برای این پیمان سیاسی و نظامی باشد و این نزدیکی میان دو کشور می‌تواند برای کشورهای منطقه از جمله مصر و عربستان نیز برای همکاری بهتر با ناتو سودمند واقع شود.

مشوق‌های اقتصادی نیز در این بین تأثیرگذارند. یک خط لوله مشترک که گاز را از مصر و میدین گازی رژیم صهیونیستی به قبرس انتقال دهد و از آنجا به ترکیه انتقال یابد و از ترکیه نیز به اروپا منتقل شود می‌تواند تأثیر به‌سزایی در نزدیکی و همکاری میان ناتو و شرکای منطقه‌ای آن داشته باشد.